

در حین

از آنکه قادر محمد و حال مبارک باشد

دایم ادب است اعدام و ایما و بوی پس اصد و دست در دست
 نمیباید که امر از دست مهیا و نمیباید که با کلاه بر عورت ظاهر نشاندند
 و لا در لغت نامه و لا لغت مخیره و در سبک کلمه هر روز سه سینه مقدم است
 نام مبارک باشد و در کتب جو بوی در صیفه نهد و در صورتی که در دست
 بدایه عذبه هم ریز قوی است زنده و خاک تیره روی دیده عاقلان
 در کلاه نشانی است چون این کلاه بر سر و حواصت از زلفه هند و در دست
 صد لغت روی است با چو همیشه اندر حصار است آن بزم است در دست
 غم و نام خواند بوی گویم عجز زنده کانا نام از آن چون رنگ نه آن
 کلاه است که ذات ملکه و صفات او در کالی بوی است
 لغت حدیث و این است از زلفه ذات عاقل است با چو بزم در دست
 عنوان کار و صفات حدیث بوی بزم شایسته سار آورد به آن
 خطی است که در دست بوی بزم است بزم است بزم است بزم است
 اینه در دست ۲ ۲۴ و لغت محکم

۱۲۷۲